



تولید،

اتحادیه‌های کار

و دانشگاهیان

رضاکنگرانی (کارگر)

افت و کمرنگ بودن حضور اتحادیه‌های کارگری تا چه اندازه می‌تواند باعث کندی رفتار توأم با احترام به اندیشه و اندیشمندان باشد؟ چرا حکومتیان در مواردی که اتحادیه‌های کارگری دچار ضعف هستند، روشنفکران، تحصیل‌کرده‌ها و اساتید دانشگاه‌ها را به چیزی نمی‌گیرند، احترام‌شان را نمی‌پایند و حتا از توهین و هتک حرمت هم کوتاهی نمی‌کنند؟ علت را شاید در این جُست که اشتغال و برنامه‌ریزی برای آن و سود بردن از ارزش افزوده‌ی ناشی از تولید کارخانه‌ها لازمه‌اش برنامه‌ریزی مدیران متبحر اقتصادی و صنعتی و به‌کارگیری نیروهای تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی در مرحله‌ی مهندسی تولید و پس از آن به‌کارگیری نیروی وسیع کاریدی و در آخر کارگر غیرفنی و ساده است.

تاخیر در تولید صنعتی در جامعه‌ی ما ابتدائاً زمینه را برای ورود کالاهای تولید شده‌ی خارجی فراهم کرد. واردات فرآورده‌هایی مانند پارچه، اتومبیل، راه‌آهن، مصالح ساختمانی، ماشین ابزارهای خیاطی، نساجی و فلزکاری و بافندگی، شیرینی‌پزی و ... باعث سود فراوان سرمایه‌ی تجاری شده به همین علت است که سرمایه‌داران اصطلاحاً «بازاری» می‌توانند مانع بزرگی برای رشد صنعت در جامعه‌ی ما باشند. از مراحل ابتدایی شکل‌گیری احزاب و نهادهای وابسته به فراموش‌خانه‌ها، سرمایه‌ی تجاری کشور مانع اصلی سازمان‌دهی تولید داخلی و شکل‌گیری احزاب و نهادها و تشکل مستقل نیروی کار بوده‌اند.

اندیشه‌ی اجتماعی به‌خصوص اندیشه‌ی

اکثریت توده‌های کشور توسط نهادهایی سامان داده شده و باورهایی در جامعه شکل گرفته که تولیدکنندگان آن، نمایندگان فکری سرمایه‌ی تجاری بوده‌اند.

مبارزه با جنبش ملی و ضربات پیاپی برای رقیق کردن و تضعیف و بلا اثر کردن آن و ایجاد شرایطی که با رشته - رشته شدن و از هم پاشیدگی جنبش ملی در دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ عمدتاً توسط دربار و بازار و سرمایه‌ی تجاری انجام گرفت. آن‌جا که عزم جنبش ملی بر اقتدار تولید ملی و حمایت از صنایع داخلی قرار می‌گرفت، بلافاصله به بهانه‌های فرعی، بحث افتراق و جدایی یک فراکسیون یا چهره‌ای ملی و کشاندن بحث به نقاط افتراق توسط جناح هوشمند واردکننده‌ی کالا انجام می‌گرفت و یک جنبش ملی را تبدیل به میدانگاه جولان بحث‌ها و درگیری‌های کلامی و بعضاً فیزیکی و خونین و عمدتاً بی‌حاصل می‌کرد.

ملیون و ملی‌گراهای سنتی و استعمار پیر انگلیس و چپ‌ها، امپریالیزم جهانی را عمدتاً عامل اصلی عقب‌ماندگی و ضعف صنعت ما می‌دانند، اما من عامل اصلی و تعیین کننده را واردکنندگان کالاهای خارجی و تجار بزرگ می‌دانم. معاینه و تعیین ضربان قلب تجار در زمان پیدا شدن گرایش عمده‌ی حاکمیت‌ها جهت رشد تولید و واکنش جدی بازار علیه این تفکر در تاریخ ایران نیاز به ابزارهای دقیق سنجش ندارد. از مرگ امیرکبیر تا تضعیف و کنار گذاشتن میرحسین موسوی و هم‌فکران او به گونه‌ای نسبی از قدرت و دیدن احزاب و هیأت‌های مبارزی که کمر به نابودی یا مهجور کردن آن‌ها بستند، نیاز به ذره‌بین ندارد و با چشم غیرمسلح هم قابل رویت است!

سرمایه‌های بخش خصوصی، تأثیر مستقیم بر نهادهای قدرت را به‌وسیله‌ی تشکل‌های ایدئولوژیک و سازمان‌دهی عناصر قدرت در فراموش‌خانه‌ها عملیاتی کرده و اراده‌ی حاکمان را همیشه در جهت تن دادن به واردات، و نه تولید، هدایت کرده‌اند.

افسانه‌هایی در بین نیروهای متعهد به آرمان‌های ملت وجود داشت که گویا مهندسان و طراحانی در صنعت مانند مهندس ارجمند و ... وجود داشته‌اند که استعمار آن‌ها را از کشور خارج و نابود کرده است. اما من

می‌گویم این عمل و مشابه آن نمی‌تواند صرفاً توسط عنصر خارجی بدون این‌که یک نیروی قوی داخلی منافع طبقه‌ی خود را در انجام چنین اعمالی بداند، انجام بگیرد. مدت عمر فیزیکی فرد یا افراد مطرح نیست، بلکه اراده‌ی تشکل و سازمان‌یافتگی نیروهای کار همیشه و در همه‌ی موارد توسط سرمایه‌ی تجاری منکوب و سرکوب شده است. چرا؟ چون که اگر اتحادیه‌های کارگری بتوانند به‌صورت نیرومند حضور داشته باشند حتماً مایه‌ی ایجاد اتحادیه‌های فکری و سامان‌یابی نیروهای مترقی و ملی خواهند شد. اتحادیه‌ی مهندسان، پزشکان، معلمان در برخورد آرا و تضارب آراء منافع ملی را در ایجاد اشتغال و رشد صنعت خواهند دید، سندیکاها و اتحادیه‌های کار فکری و یدی در آن زمان مانند همه‌ی کشورهای مترقی برنامه برای تولید خواهند داد، آن زمان سرمایه‌ی تجاری به سودهای کلان بدون حساب و کتاب، بدون کنترل و مالیات، آن‌هم با این حجم و این میزان، نخواهد رسید. به همین خاطر، تشکل‌های سرمایه‌های مالی با سندیکای نویسندگان همان برخوردی را کردند که با جریان‌های فکری زمان قجر و دوران پهلوی داشتند: ایجاد مانع فکری از مسیر تجمع افکار عمومی علیه آن‌ها، پرونده‌سازی و جدا کردن آن‌ها از جامعه و سرانجام محو فیزیکی نخبگان و سازمان‌دهندگان این تشکل‌ها بود.

دانشگاهیان، اساتید و دانشجو باید بدانند اگر تشکل‌های صنفی و اتحادیه‌های کار مستقل شکل نگیرد و نتوانند در عرصه‌ی برنامه‌ریزی اقتصاد به‌خصوص اقتصاد صنعتی مداخله و مشارکت کنند و ما هم‌چنان در حاشیه‌ی نظام‌های تولید و بدون حضور در تولید و حداقل مشارکت مستقیم در تولید برنامه‌ریزی شده‌ی جهانی باقی بمانیم، خیل بیکاران به حدی زیاد خواهد شد که بحران‌های غیر قابل کنترل و مهار به‌وجود خواهد آمد و حتا وحدت ملی و انسجام اجتماعی جامعه را به هم خواهد ریخت. تشکیل اتحادیه‌های کار جز با تلاش و

مؤسسه انتشارات نگاه منتشر کرد:

نامه‌های ون‌گوگ (۲۰۱)

ون‌گوگ / ترجمه رضا فروزی

پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

پی‌گیری توأم با فداکاری تمامی نیروهای مستقل کار و اندیشه ممکن نیست. ایجاد اشتغال هم بدون هم‌فکری و هم‌رایی اتحادیه‌هایی با وزن و نفوذ بالای اجتماعی ممکن نیست. صندوق و کتوهای دستگاه دیوانی کشور مملو از طرح‌هایی است که اجرای به موقع آن‌ها می‌تواند کشور را از افتادن به ورطه‌ی بحران نجات داده و رشد جمعی نیروهای اجتماعی را

● من عامل اصلی و تعیین‌کننده‌ی عقب‌ماندگی و ضعف صنعت در ایران را «سرمایه‌ی تجاری» می‌دانم

● دانشگاهیان باید بدانند اگر شکل‌های صنفی و اتحادیه‌های کار مستقل شکل نگیرد خیل بیکاران به‌حدی خواهد شد که وحدت ملی را به‌هم خواهد ریخت

فراهم آورد. ولی فقدان شکل‌های تأثیرگذار و پی‌گیری‌کننده‌ی این طرح‌ها و حضور شکل‌های مخالف این طرح‌ها در قدرت، مانع تصویب و عملیاتی شدن آن‌ها شده به‌طوری‌که دائماً شاهد دور باطلی طراحی برنامه توسط دلسوزان جامعه و برخورد سیاسی مخالفان با این برنامه‌ها هستیم که چنین رفتارهایی در نهایت موجب سرخوردگی و واخوردگی نخبگان جامعه، فرار مغزها و فقیر شدن جامعه به لحاظ معنوی می‌شود.

به همین علت هم است که به نظر می‌رسد چاره‌ی کار ما متشکل شدن اتحادیه‌های اساتید

دانشگاه و دانشجویان، متشکل شدن تمامی نیروهای کار اجتماعی، دوری از تحریکات و تحرکات سیاسی، پالایش کامل و جدی از شائبه‌های قدرت‌طلبی و سیاسی‌بازی، آرایه و پی‌گیری طرح‌های تولید و قابل رقابت در بازارهای جهانی آن‌هم در زمینه‌هایی که ما واقعاً توانایی آن‌را داریم. به‌عنوان مثال، پرداختن به صنعت گردشگری می‌تواند تولید سنتی ما را که دارای ظرفیتی بالا برای ایجاد اشتغال در بسیاری از صنایع، از تولید فرش و صنایع دستی گرفته تا هتل‌داری و آرایه‌ی خدمات مصرفی و مواد غذایی است را، متحول سازد.

حضور و عضویت کشور در تجارت جهانی در شرایطی که قرار داریم کشور ما را تبدیل به چرخ پنجم تولید جهانی و یا تبدیل‌کننده‌ی زائده‌های کشورهای صنعتی به کاهالای مصرفی خواهد کرد.

امروزه حضور پوشاک ترکیه‌ای و چینی صنایع دست‌چندمی اتومبیل‌سازی اروپا، واردات خودروهای خارج از رده‌ی اروپا و آمریکا، واردات قاچاق و غیرقاچاق کالاهای مصرفی مانند پارچه، چینی‌جات و لوازم خانگی و وسایل تزئینی و آرایشی، دلارهای نفتی ما را خارج و نیروی کاری ما را فلج کرده است. اگر استادان دانشگاه، روشنفکران و نخبگان جامعه نسبت به تشکل‌های خود و پیوند آن با اتحادیه‌های مستقل کارگری بی‌تفاوت بمانند، روزی خواهد رسید که مدرک لیسانس دانشگاه‌های ریز و درشت برای تکدی کردن کنار خیابان کافی باشد. یعنی میزان بیکاری تحصیل‌کرده‌ها به‌دلیل این‌که آن‌ها حاضر نیستند مانند کارگر کم‌سواد یا بی‌سواد نیروی کار خود را ارزان بفروشند از بی‌سوادان بیش‌تر شده و این ذهنیت در جامعه جاری خواهد شد که لیسانس بیکار یعنی واقعیتی عینی. بنابراین، نیازمندی و محتاج بودن او به‌طور طبیعی برای احاد جامعه جا خواهد افتاد. فارغ‌التحصیلانی که می‌توانند و امکان و شرایطش را دارند، می‌گریزند و آن‌هایی هم که پای گریز ندارند، دست‌ستیز بر خواهند آورد و به اتفاق سایر بیکاران، جامعه را بر خواهند آشفت. آشوب‌هایی که می‌تواند به راحتی دست‌های شوم بیگانگان را دخیل کند و یوگسلاوی‌سازی جامعه را در دستور کار سرمایه‌ی جهانی

قرار دهد. بدون اتحادیه‌های مستقل کار و اندیشه، جامعه‌ی ما نمی‌تواند در بین جوامع بشری سر بلندی و عزت و افتخار داشته باشد.

ایجاد تشکل‌های مدنی سالم نیاز به پی‌گیری، ممارست، ترویج اندیشه‌ی وحدت در بدنه‌ی جامعه دارد. تحمل حضور باورهای گوناگون و سمت‌دهی عواطف جامعه به سوی منافع ملی، وظیفه‌ی نخبگان و فرهیختگان جامعه است. اگر دانش‌آموختگان، خود را تافته‌ی جداافتاده و فوق‌تشکل و سازمان صنفی بدانند و وارد میدان فعالیت جمعی، و بهره‌گیری و تأثیرگذاری بر خرد جمعی آن‌هم به‌صورت سامان یافته‌تر و تشکیلاتی نشوند، خطر این‌که در آینده‌ای نه چندان دور شاهد فاجعه باشیم، بسیار است. ♦

پی‌نوشت

۱. جدا شدن کاشانی، بقایی، حسین مکی از نهضت ملی، ترور ده‌ها چهره‌ی ملی سرانجام به شکست کشانیدن جنبش نه صرفاً کار آمریکا و انگلیس، که نقش اصلی در این وقایع را سرمایه‌ی تجاری ایفا کرد.

جناب آقای مهندس سبحانی

مصیبت از دست رفتن پدر بزرگوارتان را تسلیت می‌گوییم.
دیرزیوی بازماندگان آرزوی ماست.

انستیتوت جامعه

جناب آقای رضارزاقی

مصیبت از دست رفتن عزیزانتان را تسلیت می‌گوییم.
دیرزیوی بازماندگان آرزوی ماست.

انستیتوت جامعه

سرکار خانم شیوا دولت آبادی

مصیبت از دست رفتن عزیزتان را تسلیت می‌گوییم.
دیرزیوی بازماندگان آرزوی ماست.

انستیتوت جامعه

مؤسسه انتشارات نگاه منتشر کرد:

توفان در مرداب

لئوناردو شیاشا / ترجمه مهدی سبحانی

پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران